

فقط مدیران بخوانند

برای توضیح این قسمت چند مثال بیاوریم. تقریباً درآمد یک برنامه‌ساز معمولی رادیو که تمام وقت در رادیو مشغول است و از هیچ نوع حقوق رسمی مانند حق بیمه، بازنشستگی و... برخوردار نیست با درآمد یک کارگر که در بازار تهران با یک چرخ دستی بازها را جابجا می‌کند، برابر است! اگر کمتر نباشد! از طرف دیگر بسیاری از تلویزیونی‌ها تقریباً ده برابر بسیاری از رادیویی‌هاست.

مثال دیگر: برآورد یک برنامه رادیویی زنده در یک گروه یا برآورد یک برنامه رادیویی زنده در گروه دیگر اختلاف فاحشی دارد. حال آن که در برخی موارد برنامه‌ای که برآورد کمتری دارد، هم شنونده بیشتری دارد و هم زحمت بیشتری.

مثال دیگر: برخی تست‌ها با متن‌های رادیویی در حالی که به برخی کپی از یک مجله یا روزنامه یا کتاب است، برآوردی برابر یا بزرگ‌تر از تست‌های نویسنده‌گان دست به قلم و متفکر رادیو دارند. تعجب و عدم رعایت عدالت در تخصیص بودجه بسیار شده است که کیفیت برنامه‌های رادیویی روز به روز پایین‌تر می‌آید.

۳- رادیوسو مدیریت‌های طولانی مدت را نمی‌پسندد، باید پیوسته هم‌سایه‌ی زانو اینکه بسیار هنرمند، خلاق و تیزهوش باشد و وقتی مدت زیادی در مصدر کاری قرار گیرد، به مرور زمان تمامی ظرفیت‌های خویش را بیاورد می‌کند و بدین‌سان بعد از مدتی هیچ گونه تغییر و تحولی در کار آن مدیر دیده نمی‌شود. این مطلب خود موارد صدا و سیما بیشتر از جاهای دیگر صدق می‌کند، زیرا صدا و سیما لحظه به لحظه احتیاج به تغییر و تنوع و نوآوری دارد. فکر از یک ساختار و رکورد در پیشبرد همسان ساختار شنوندگان و بینندگان را خسته می‌کند. مدیران سازمان و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی اگر مدت زیادی این مسئولیت را بر سر عهد داشته باشند، به مرور، خلاقیت‌ها و نوآوری‌های خود را از دست می‌دهند و به دلیل آن که فکر و ایده خود را برتر می‌دانند مانع از بروز نوآوری‌های دیگران می‌شوند. مقایسه تغییرات سریعی که پس از روی کار آمدن مدیر فعلی سازمان صدا و سیما صورت گرفته نسبت به عملکرد مدیر قبلی سازمان به خوبی مطلب ذکر شده را ثابت

هم‌اکنون در کشور ما هشت شبکه رادیویی و با بیشتر وجود دارد که به‌طور تمام وقت، برنامه بخش می‌کنند؛ با این وجود، به جز رادیو پیام که شنوندگان زیادی را به خود اختصاص داده است، از بقیه شبکه‌های رادیویی چندان استقبال نمی‌شود. چرا چنین است؟ آیا به واسطه رادیو نقش رسانه‌ای خود را از دست داده است و روز به روز از صحنه زندگی انسان‌ها خارج می‌شود؟

پاسخ نگارنده به این سؤال، به دو دلیل منفی است، اولاً برخلاف تلویزیون، کامپیوتر و اینترنت، رادیو وسیله‌ای است سبک و قابل حمل در همه جا که بدون استفاده از چشم و ضمن انجام کارهای روزمره می‌توان برنامه‌های آن را شنید و به نوعی شنیدنی و تنهایی در محیط کار را کاهش داد و از اطلاعات و سرگرمی‌های آن استفاده کرد. ثانیاً استقبال مردم از برخی برنامه‌های رادیویی یا از برخی شبکه‌های رادیویی به‌جز رادیو خود ثابت می‌کند که هنوز هم رادیو می‌تواند رسانه‌ای باشد که مردم به آن قبال کنند. پس ظاهراً عیب کار از جملاتی دیگری است. نگارنده این مقاله بیشتر این عیب‌ها را از جانب مدیریت می‌داند و به همین دلیل هم این نکات را جهت رفع مشکلات و ضعف‌های رادیو پیشنهاد می‌کند.

۱- رادیوسو برنامه‌ریزی درست و مناسب می‌خواهد. البته است اگر بپردازیم برنامه رادیویی نمی‌تواند شنونده را به طرف خود جلب کند. روح انسان همچنان که از دیدن بسیاری چیزها لذت می‌برد، از شنیدن بسیاری چیزها هم لذت نمی‌برد. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «همانا دل‌ها همانند بدن‌ها خسته و ملول می‌شوند، پس هنگامی که جسم خستگی روح دچار شدید، با سخنان حکیمانه، نغمه و دل‌نشین آهنگ‌های رابرفر سازید این فرمایش حضرت امیر(ع) دقیقاً همان چیزی است که امروزه شبکه رادیویی پیام آن را به کنار گرفته و شنوندگان زیادی را جذب کرده است. حتی اگر خود ما هم فضاوت کنیم درمی‌یابیم که بسیاری از برنامه‌های رادیویی به دلیل کلام‌های طولانی، موسیقی‌های کهنه و بی‌روح و خلاصه برنامه‌ریزی نامناسب، خسته‌کننده و ملال آورند.

۲- رادیوسو تخصص بودجه مناسب می‌خواهد. بگذرایم



می‌کنند. مدیریت‌های رادیسو و تلویزیون هم باید مثل خیلیس جاهای دیگر محدود به زمان‌های کوتاه‌مدت باشد.

۶. رادیو نظارت‌های سلیقه‌ای، خطی و پدرسالارانه را نمی‌پسندد. متأسفانه نظام حاکم بر رادیو و تلویزیون به گونه‌ای است که رسانه را از یک حالت مردم‌سای، به یک حالت حکومتی تبدیل کرده است و این امر باعث افت کیفی شدید برنامه‌های صدا و سیما شده است. نظارت‌های خطی، سلیقه‌ای و پدرسالارانه باعث شده تا برنامه‌سازان به دلیل عدم امنیت شغلی و هم به جهت ارتقای موقعیت شغلی و دست یافتن به کارهای بیشتر نظراتی تخصصی خود را فدای خواسته‌های مدیران و بخش‌های نظارتی کند. بدین‌سان ابعاد محدودیت‌هایی که مدیران و بخش‌های نظارتی ایجاد می‌کنند باعث می‌شود پس از مدتی برنامه‌سازان به نوعی خودسانسوری و محافظه‌کاری دست یازند. البته نظارت آکسر به نحو درستی اعمال شود می‌تواند موجب بهبود کیفی برنامه‌ها شود و آن هنگامی است که از آفت سلیقه‌سالاری و خط و باندرگویی رها شود و بر نظریات علمی، کارشناسی شده و بی‌طرفانه متکی باشد و اینها به دست نمی‌آید مگر با حفظ احترام و شخصیت برنامه‌ساز و لحاظ کردن الحکاک و اقتدبده‌های او.

۷. رادیو باید برنامه‌سازان خود را تاجین کند. برنامه‌ساز رادیویی یک آدم آس و پوسلی است، چون نه امنیت شغلی دارد و نه حقوق ثابت و منگفی، نه بیمه است و نه حقوق بازنشستگی دارد. تازه خیلی وقت‌ها هم سرفوفش را سربرج (با دم عید) دریافت نمی‌کند. برنامه‌ساز رادیویی عالم در فکر این است که برای حفظ کار و موقعیتش بدین‌نوش و از سه مخاطبش را راضی نگه دارد. برنامه‌ساز رادیویی آنگ می‌نویس شود و نتواند برنامه‌اش را سر موقع بسازد و یا برنامه‌اش سه مناسبتی خاص برخوردار کند و حذف شود حقوق آن برنامه‌ساز حذف می‌شود و تا سربرج بعد باید یک جوری کسوی‌ها را جبران کند. خلاصه این‌که برنامه‌ساز رادیویی به مرور زمان آدم بی‌شان و بی‌شخصیتی می‌شود چون هم به لحاظ مادی در سطح پایینی قرار دارد و هم به لحاظ معنوی شخصیتش را از دست داده و بلبه قربان‌گویی مدیران شده است. این‌گونه است که برنامه‌ساز رادیویی پس از مدتی به فکر این می‌افتد که به جای رادیو جای بهتری را برای کار کردن پیدا کند و حلال‌کسر رادیو را شغل دوم خود قرار دهد. خروج تکریمی نیروهای کساردان رادیو و یا کاهش همکاری‌های آنان با رادیسو در سال‌های اخیر به خوبی گواه این مدعاست.

۸. رادیسو باید نسبت به وضع موجود انتخاب بهینه کند. شاید تخصصی کردن شبکه‌های رادیسویی کار خوبی باشد. اما سؤال این است که اگر ما یک شبکه رادیسویی با برنامه‌های خوب و پرشونده داشته باشیم بهتر است یا این‌که چند شبکه با شونده‌های کم و برنامه‌ها نامناسب. معلوم است که آکسر

برنامه‌سازان یک شبکه از برآورد‌های خوبی برخوردار باشند می‌تواند برنامه‌های بهتری هم بسازند، اما اگر چندین شبکه رادیسویی با بودجه ناکافی وجود داشته باشد، در سطح کیفی برنامه‌ها هم تأثیری می‌گذارد. به نظر نگارنده، در حالی‌که بودجه رادیسو در مقایسه با تلویزیون بسیار کمتر است و در حالی‌که برخی از شبکه‌های رادیسویی برنامه‌های موازی پخش می‌کنند و در حالی‌که همه برنامه‌سازان رادیسویی از برآورد‌های رادیسو نراضی هستند و همچنین با گذشت سال‌ها و با افزایش تورم سالانه هیچ‌گونه تغییری در برآورد‌ها رخ نداده است، برخی از شبکه‌های رادیسویی باید حذف شوند. این حذف شدن بایستی کم شونده‌ترین شبکه‌ها را به لحاظ آماری دربرگیرد. حتی فراتر از رادیسو، بایستی گفت با توجه به این‌که صدا و سیما عمدتاً رادیسو و تلویزیون را در بر می‌گیرد لذا باید بخش‌های فرعی و جانبی و بیست چندم که با حذف آنها چندان ضرری هم به سازمان نمی‌رسد، حذف شوند (مانند روزنامه جام‌جم و...). خلاصه این‌که رادیسو باید نسبت به وضع موجود انتخاب بهینه کند.

۹. رادیسو ملاحظه‌کاری مسئولان را نمی‌خواهد. متأسفانه در حال حاضر ملاحظه‌کاری‌ها جای شایسته‌سالاری را گرفته است. مدیر فیلان شبکه رادیسویی اگر چه صلاحیت ندارد اما به دلیل این‌که نمی‌شود و زشت است او را کنار گذاشت باید او را تحمل کرد. فلان مدیر گروه، خوب کار نمی‌کند، اما لوفافلان کس نسبت دارد، تازه مدت زیادی هم در رادیسو کار کرده است، بنابراین نمی‌شود او را برکنار کرد. آفاسی بهمان خوب کار نمی‌کند، ولی اگر از رادیسو برود بیکار می‌ماند پس باید او را تحمل کرد و ده‌ها صدها نمونه دیگر از این موارد هم ملاحظاتی غیر منطقی و غیر مشروعی را تشکیل می‌دهند که در نهایت موجب افت کیفی شدید برنامه‌های رادیسو می‌شود. رادیسو باید به مدیران شبکه‌های خود اختیارات بیشتری بدهد. بارها پیش آمده است که برنامه‌سازان رادیسو، برنامه‌های بسیار خوبی را تهیه کرده‌اند، اما مدیر شبکه نتوانسته است به موقع برآورد‌های آنان را بپردازد کند. مدیران شبکه‌ها گاه به دلیل این‌که برخی از قسمت‌های مربوط به حوزه کاری آنها زیر نظر آنها نیستند متحمل زحمات زیادی می‌شوند. اگر به زایش صدا و سیما یک رسانه سمعی و بصری است بایستی پیش‌ترش هم‌و هم خود را صرف تهیه برنامه‌های سمعی و بصری مناسب کند و برای این کار باید به کسانی که مسئول تولید برنامه‌ها هستند اختیارات بیشتری بدهد، نه به سایر قسمت‌ها.

مهدی سلطانی گرده‌فرار می‌رود

